

# طراحی و نوشتن داستان‌های معمایی

پاتریشیا های اسمیت

ترجمه شاهپور عظیمی



چترنگی

## فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۱	درآمد
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: منشأ یک ایده
۲۷	فصل دوم: بیشتر در مورد استفاده از تجارب
۳۷	فصل سوم: داستان کوتاه معمایی
۴۵	فصل چهارم: پرورش
۵۷	فصل پنجم: طراحی
۶۵	فصل ششم: دست نویس اول
۸۱	فصل هفتم: موانع
۹۳	فصل هشتم: دست نویس دوم
۹۹	فصل نهم: بازنگری ها
۱۰۳	فصل دهم: مورد تاریخی یک رمان: سلول شیشه ای
۱۲۱	فصل یازدهم: یادداشت هایی کلی درباره تعلیق و معما

## مقدمه مترجم

پاتریشیا های اسمیت متولد ۱۹ ژانویه ۱۹۲۱ رمان نویسی است که به جهت نوشتن تریلرهای روان‌شناسانه‌ای شهرت دارد که براساس بسیاری از آن‌ها فیلم ساخته شده است. از آثار او در اروپا بیش از کشورش آمریکا استقبال شد؛ برخی معتقدند دلیلش این است که کتاب‌های های اسمیت در قفسه‌ی درستی جای نگرفته و به جای آنکه در دسته‌بندی آثار ادبی قرار بگیرند، جزو آثار پلیسی جنایی به شمار آمده‌اند. منتقدان ادبی در بررسی آثار های اسمیت به این نیز اشاره کرده‌اند که او طرح و شخصیت‌پردازی را با مهارت در هم می‌آمیزد و داستان پلیسی جنایی در واقع به ابزاری برای به نمایش درآوردن دلمشغولی‌های شخصی او بدل شده است. برخی نیز شخصیت‌های آثار او را آدم‌هایی می‌دانند که عقلشان کاملاً سرچایش است، اما زیر فشار شدید دست به اعمال دیوانه‌واری می‌زنند. حتی شخصیت ریپلی<sup>۱</sup> نیز، که از دیگر شخصیت‌هایی که او آفریده ناخوشایندتر است، برای خودش انگیزه دارد.

نخستین رمانش، بیگانگان در ترن<sup>۲</sup> را در ۱۹۵۰ نوشت و سال بعد آلفرد هیچکاک آن را با بازی فارلی گرینجر و رابرت واکر به فیلم برگرداند. این اثر که با نام غریبه‌ای در قطار ترجمه شده است، درباره‌ی گای دانیل هاینس جوانی است که در رشته معماری از شاخص‌هاست

۱. آقای ریپلی با استعداد. این کتاب را خانم فرزانه طاهری به فارسی ترجمه کرده‌اند. م.

۲. رمانی که ریموند چندلر، جنایی‌نویس سرشناس، فیلم‌نامه‌اش را نوشت و آلفرد هیچکاک براساس آن فیلمی با حضور فارلی گرینجر و رابرت واکر کارگردانی کرد. م.

## درآمد

این کتاب در زمره کتاب‌های «چگونه بنویسیم؟» قرار نمی‌گیرد. نمی‌شود شرح داد که یک کتاب موفق که خواندنی هم باشد چگونه نوشته می‌شود؛ اما چیزی که نوشتن را به حرفه‌ای هیجان‌انگیز و سرزنده بدل می‌کند، این است که همیشه امکان شکست در این کار وجود دارد. بنابراین، در این کتاب به یک اندازه به شکست‌ها و موفقیت‌هایم پرداخته‌ام چون از شکست می‌توان درس گرفت. با فاش ساختن شکست‌هایم که منجر به تلف شدن عقل، زمان و انرژی فراوانی در من شده، شاید بتوانم کاری کنم که نویسندگان دیگر دچار رنجی مشابه نشوند. در شش سال ابتدایی کارم اصلاً موفق نبودم، اما پس از آن چند چیز خوشایند اتفاق افتاد. من به بخت و اقبال اعتقادی ندارم، اما می‌شود آن را جلب لطف دانست یا رویش حساب کرد. شاید بخش اعظمی از بخت و اقبال یک نویسنده این باشد که شهرت به وقتش سراغ او بیاید. این چیزی است که در این کتاب از آن حرف خواهم زد.

کتاب طراحی و نویسندگی داستان‌های معمولی از پایین‌ترین سطح شروع می‌شود و مخاطبانش نویسنده‌های جوان و تازه‌کار هستند. البته نویسنده تازه‌کار در هر سن و سالی، نویسنده‌ای جوان محسوب می‌شود و از این نظر شیوه کار فرقی ندارد. همه تازه‌کارها از نظر من نویسنده‌اند چون این خطر را، چه خوب و چه بد، به جان خریدند که عواطف، خصوصیات و نگرش خود به زندگی را در معرض موشکافی و دید دیگران قرار بدهند. به همین دلیل از رویدادهای روزمره زندگی شروع می‌کنم که می‌توانند جرقه یک داستان